استناد به این مقاله: کشاورز، حمید؛ وفائیان، امیر (۱۳۹۲). مطالعه دیالکتیک در محیط وب: یافته‌های یک نمونه‌پژوهی. پژوهش‌نامه کتابداری و اطلاع‌رسانی،۳ (۱)، ۲۲۶-۲۰۷.

مطالعه دیالکتیک در محیط وب: یافته‌های یک نمونه‌پژوهی

حمید کشاورز[1]، امیر وفائیان[2]

دریافت: ۹۱/۴/۴ پذیرش: ۹۱/۱۱/۲۸

چکیده

هدف: *مقاله حاضر پس از توصیف چالش‌های مطالعه در محیط اینترنت، چهار نوع مطالعه تفسیری، جزمی، منفعلانه و دیالکتیک در این محیط را معرفی می‌کند که از اندیشه‌های والتر کافمن برگرفته شده است.*

روش: *این پژوهش پیمایشی، با هدف آزمون این روش‌های چهارگانه در محیط وب در بین دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه شاهد تهران، از طریق پرسش‌نامه انجام شده است. از بین ۸۰۰ دانشجویی که جامعه آماری را تشکیل می‌دادند، تعداد ۲۶۶ نفر با روش نمونه‌گیری طبقه‌بندی تصادفی متناسب، به عنوان نمونه گزینش شدند.*

یافته‌ها: *با انجام روش‌های آماری توصیفی و نیز تایید آن‌ها توسط آزمون ناپارامتری فریدمن، به طور کلی مشخص شد که این دانشجویان به ترتیب از روش‌های منفعلانه با ۵۲/۶، دیالکتیک با ۳۳/۵، جزمی با ۱۱/۳ و تفسیری با ۲/۶ درصد در مطالعه منابع وبی بهره می‌جویند. تحلیل‌های آماری بیشتری با توجه به جنسیت، دانشکده، مقطع تحصیلی انجام شد که همه نشان می‌دادند روش مطالعه دیالکتیک که نوع آرمانی مطالعه در محیط وب است، پس از روش منفعلانه جای دارد.*

با توجه به یافته‌های پژوهش، لزوم آموزش مهارت‌های پیشرفته سواد اطلاعاتی و تفکر انتقادی که زمینه‌ساز انجام مطالعه دیالکتیک است پیشنهاد شده است. بررسی پیشینه‌ها حاکی از آن است که تا کنون پژوهشی با موضوع مطالعه دیالکتیک در محیط وب انجام نشده است.

کلیدواژه‌ها: *مطالعه وبی، مطالعه دیالکتیک، سواد وبی، سواد اطلاعاتی، تفکر انتقادی.*

---

[1]. عضو هیئت علمی گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی دانشگاه سمنان، keshavarzsina@gmail.com

[2]. کارشناس ارشد علم اطلاعات و دانش‌شناسی از دانشگاه شهید بهشتی، amirvafa@gmail.com

مقدمه

مطالعه در جایگاه سنتی و نمادین خود بیشتر با منابع اطلاعاتی چاپی و کاغذی ارتباط داشته و در نگاه اول تصویری آشنا را به ذهن خواننده متبادر می‌کند. تصویری که در آن مطالعه در فضایی آرام و با کاربرد ابزارهایی مانند کتاب و مجله صورت می‌پذیرد. اما با ظهور منابع اطلاعاتی جدید از نوع الکترونیکی و به ویژه آنهایی که در محیط شبکه جهانی وب قرار دارند، تصویری دیگر نیز از مطالعه نمایان می‌شود. در تصویر جدید کاربر با استفاده از ابزارهایی مانند رایانه، تلفن همراه، کتابخوان‌های الکترونیکی[1] و بسیاری از ابزارهای دیجیتالی شخصی[2] به کاوش و کاربرد منابعی می‌پردازد که شاید نسخه‌های چاپی آنها نیز موجود باشد. بدین ترتیب مطالعه در مفهوم جدید خود، هم به لحاظ نوع ابزارهای موجود و هم به لحاظ مهارت‌های مورد نیاز، دارای تفاوت‌هایی ماهوی با مفهوم پیشین خود است. بنابراین شایسته است خواننده جدید هم از فضای جدید و ویژگی‌های آن آگاهی داشته و هم از مهارت‌های لازم برای ارزیابی و استفاده از آنها در انجام کارهای خود برخوردار باشد. به این ترتیب مفاهیم و عناوین جدیدی چون مطالعه الکترونیکی[3]، خوانندگان الکترونیکی[4] به ادبیات موجود راه پیدا کرده‌اند.

برخی پیش‌بینی‌ها حاکی از آن است که در سال‌های پیش رو، مطالعه بیشتر در بستر محیط‌های الکترونیکی انجام خواهد شد. برای مثال ییتز (Yates, 2001) به نقل از یکی از مدیران ارشد شرکت مایکروسافت پیش‌بینی کرده است که تا سال ۲۰۲۰، نود درصد آنچه که خوانده می‌شود به شکل الکترونیکی خواهد بود. بعلاوه، بر اساس قانون متکالف[5] ما می‌دانیم که هرچه از یک شبکه بیشتر استفاده شود، ارزش آن نیز افزایش می‌یابد، مانند نقشی که شبکه تلفن در گذشته داشته است (Bruce, 2000). در ارتباط با اینترنت و محیط وب شاهد افزایش شگفت‌آور استفاده از آن هستیم. پس هرچه وب برای زندگی انسان ارزشمندتر شده و وابستگی انسان به آن بیشتر می‌شود، باید از ساز و کارهای استفاده بهینه در آن آگاه شویم.

مطالعه دیالکتیک: راهبردی آرمانی برای مطالعه در محیط وب

وب همزمان یک منبع اطلاعاتی بزرگ و مهم و در عین حال یک منبع اطلاعاتی پرسش برانگیز است (برای نمونه نگاه کنید به Robins, Holmes and Stansbury, 2010; Metzger, 2007; Bruce, 2000). از

1. E-book readers
2. PDA (Personal digital assistants)
3. E-reading
4. E-readers
5. Metcalfe’s Law

سویی مقادیر فراوان و متنوعی از اطلاعات را در اختیار ما قرار می‌دهد. اما از سوی دیگر به دلیل محدودیت ابزارهای کاوش و مهارت‌های کاربران و نیز در هم آمیختگی اطلاعات درست با نادرست، چالش‌های فراوانی را برای کاربران به وجود می‌آورد. البته بسیاری بر این گمانند که در محیط وب منابع غیر مفید و نادرست بیش از منابع مفید و درست تولید می‌شوند. این شرایط باعث می‌شود کاربران از سویی با خوشحالی روبرو باشند، اما از سوی دیگر دچار نوعی افسردگی شوند. از همان روزهای آغازین پیدایش وب پژوهشگران بسیاری (برای نمونه Ferris, 1997; Gilster, 1997) تفکر انتقادی را مهم‌ترین مهارت پایه‌ای برای کاربران اینترنت دانسته‌اند.

والتر کافمن (Kaufman, 1997) در مقاله‌ای، که پس از آن بسیار مورد استفاده و استناد قرار گرفت، چهار نوع مطالعه یا چهار نوع خواننده را از یکدیگر متمایز کرده است. روش‌های مطالعه چهارگانه از این حیث حائز اهمیتند که در آن‌ها توجه خاصی به تفکر انتقادی شده است و معیار سنجش تفاوت بین آن‌ها در نوع برخورد انتقادی با متن است. این روش‌های چهارگانه در محیط وب نیز مصداق و نمونه دارند و می‌توان آن‌ها را در این محیط نیز آزمود. از این روست که برترام بروس (Bruce, 2000) از همان روزهای آغازین پیدایش وب در مقاله خود به صورتی گسترده به بسط این روش‌های چهارگانه در محیط وب پرداخته است.

در نوع اول که خواندن تفسیری[1] است و می‌توان آن را خواندن زودباورانه یا ظاهربینانه نیز در نظر گرفت، خواننده هرچه را می‌بیند بدون نقادی صحیح می‌پذیرد و از قدرت نقد و تحلیل اصولی استفاده نمی‌کند. این گروه از خوانندگان ارزش‌های خودشان را بر متن استوار می‌سازند و در فهم ارزش واقعی متن یا ناتوان و یا بی‌تفاوت هستند. همچنین، آنها به دنبال تایید نظرات خود هستند و اطلاعاتی را انتخاب می‌کنند که این نظرات در آنها منعکس شده باشد. آنها به صورت انتقادی مطالعه نمی‌کنند و درکی سطحی از متن بدست می‌آورند. نداشتن نگاه انتقادی و تفسیر به رای، مهم‌ترین ویژگی این گونه از خواندن است.

نوع دوم، خواندن جزمی[2] نام گرفته و می‌توان آن را خواندن متعصبانه یا دیرباورانه نیز تلقی کرد. خواننده جزمی معتقد به اولویت داشتن منابع چاپی است و در محیط وب تنها به دنبال تایید مطالب خوانده شده می‌گردد. سرعت تغییر آدرس‌های اینترنتی، منافع تجاری و سیاسی سایت‌ها، دسترسی آسان به مطالب غیراخلاقی و مستهجن و اینکه هر فردی می‌تواند آزادانه به تولید و انتشار اطلاعات دست بزند از جمله

[1]. Exegetical reading
[2]. Dogmatic reading

عواملی هستند که باعث پیدایش چنین بدگمانی در برخی افراد شده است. هرچه وب به شکل افسارگسیخته‌تری گسترش پیدا می‌کند، تعداد این افراد نیز بیشتر می‌شود. در این گونه از خواندن، خواننده بسیاری از منابع وبی را نامعتبر می‌انگارد.

نوع سوم، خواندن منفعلانه[1] است که می‌توان آن را خواندن بی‌طرفانه، فنی و به عنوان مطالعه استاندارد و معمول متون در وب تلقی کرد. بدین معنی که فرد نگاهی فنی به کیفیت منابع وب دارد و آن را با استانداردها و معیارهای موجود در ذهنش می‌سنجد. این افراد می‌دانند که منابع معتبر و نامعتبری در وب وجود دارد و از این رو طرح‌هایی را برای تفکیک آنها در ذهن می‌پرورانند. آن‌ها به دنبال یافتن ابزارهایی بهتر برای انجام جستجوی کارآمدتر هستند. ارزیابی آنها بیشتر بر مبنای معیارهایی ایستا و استاندارد است. آنها همه سایت‌ها را جستجو نمی‌کنند و تنها سایت‌هایی را که با این استانداردها هم‌خوانی داشته باشند، بررسی می‌کنند. آنها روش‌ها و راهبردهای جستجو مثلاً استفاده از عملگرهای بولی را می‌دانند و بکار می‌گیرند. در این نوع خواندن، خواننده به ارزش‌گذاری سایت‌ها، از دو منظر ساختاری و محتوایی می‌پردازد. در ارزیابی ساختاری عواملی مانند راحتی و امکانات کاوش، ابزارهای مرور[2]، ظاهر سایت، قابلیت خواندن و کپی‌برداری مورد توجه قرار می‌گیرد؛ در حالی که در ارزیابی محتوایی، معیارهایی چون ارتباط تصاویر با متن، قابلیت فهم متن، نداشتن سوگیری[3]، وجود استنادها، نداشتن غلط املایی و دستوری بررسی می‌شوند. چنین خواننده‌ای بیشتر به دنبال راه‌حل‌های فنی برای مطالعه در محیط وب و استفاده از استانداردها و فرمول‌های خاص برای جداسازی سایت‌های خوب از بد است. همچنین، او درباره ارزش وب به پیش‌داوری نمی‌پردازد و وب را انبار یا گنجینه‌ای از منابع می‌پندارد.

از مشکلات این نوع خواندن می‌توان موارد زیر را برشمرد: ابتدا اینکه کاوش‌ها همیشه دقیق نیستند. مواردی مانند وب پنهان، رتبه‌بندی نتایج یا ابزار مورد استفاده، چگونگی کاوش را تحت تاثیر قرار می‌دهند و در نتیجه ممکن است نیاز اطلاعاتی فرد از مسیر چنین کاوشی برآورده نشود. باید توجه داشت که در استفاده از وب تنها انجام کاوش و ارزیابی کلی منابع اطلاعاتی مطرح نیست، بلکه در آن نوعی درگیری و چالش با مسئله و نوعی پرسشگری جدی مطرح است. دیگر اینکه اگر وب را صرفاً برای کاوش اطلاعات استفاده کنیم، ظرفیت و ارزش وب برای آموزش، پژوهش و سایر فعالیت‌های زندگی نادیده گرفته می‌شود. ارزش وب در گسترده ساختن دامنه پرسش‌های ماست. محیط وب، پرسش‌های بیشتری را فرا

---

1. Agnostic reading
2. Navigation tools
3. Bios

روی خوانندگان می‌گذارد و پی بردن به اینکه دامنه نادانسته‌های ما چقدر است، چیزی بیش از کاوش صرف و خود نوعی بازاندیشیدن است.

خواندن دیالکتیک[1] یا استدلالی، نوع چهارم خواندن است. این مفهوم با آنچه در فلسفه افرادی چون افلاطون[2]، کانت[3]، هگل[4] یا مارکس[5] وجود دارد، متفاوت بوده و معنای فلسفی ندارد. در مطالعه دیالکتیک، نوعی تجربه عمیق از فرایند مطالعه به خواننده دست می‌دهد. این نوع مطالعه متشکل از سه عنصر متفاوت است: عنصر اول عنصر سقراطی[6] نام دارد که تحت تاثیر مفهوم «نارضایتی از ناآزموده‌های زندگی»[7] است که در آموزه‌های سقراط[8] وجود دارد. فرد با بکارگیری این عنصر، با نظرات و عقاید مخالف مدارا کرده و هنگامی که نظری به حقیقت نزدیک‌تر باشد، علی‌رغم تفاوتش با نظر خود، آن را می‌پذیرد. عنصر بعدی عنصر محاوره[9] است که در پی آن خواننده به دنبال اندیشه‌ها، منابع و نویسندگان دیگری در حوزه مطالعاتی خود می‌گردد. عنصر سوم که عنصر تاریخی- فلسفی[10] است خواننده را به دنبال تلاش در فهم متن در بسترهای گسترده‌تر آن وامی‌دارد. یعنی متن در ارتباط با سایر متون و جایگاه تاریخی و فکری خود مطالعه می‌شود.

در هر مطالعه‌ای، نوعی رویارویی مستقل با هر پدیده وجود دارد که نه کاملاً به محیط پیرامونی وابسته است و نه کاملاً مستقل از آن. مطالعه وب یک مرور سطحی (خواندن تفسیری)، یا رد سریع (خواندن جزمی) یا صرفاً کاری فنی مانند کاوش، تحلیل، ارزیابی و دسته‌بندی (خواندن منفعلانه) نیست، بلکه برقراری ارتباط با متنی است که در آن ارزش‌های جدید و راه‌های گوناگون دریافت معنا وجود دارد. نتیجه این فرایند، پذیرش ناخواسته‌ها و نادانسته‌ها، بررسی جایگزین‌ها و کاوش درک و دریافتی جدید است. در مطالعه دیالکتیک معنا ایستا نیست، بلکه در نتیجه فعالیت‌های مکرر خواندن و کاوش بدست می‌آید. خواننده دیالکتیک باید از توانایی ارزش‌گذاری، تحلیل محتوا و فعالیت‌های عملی برخوردار باشد. پس مرحله‌ای فراتر از مطابقت دادن سایت‌ها با معیارهایی چند و نداشتن ارتباط بین متون است و خواندن با نگاه انتقادی و حقیقت‌جویانه صورت می‌پذیرد. در مطالعه دیالکتیک، لازم است فرد، هر صفحه وب را در

1. Dialectical reading
2. Plato
3. Kant
4. Hegel
5. Marx
6. Socratic
7. Dissatisfaction with the unexamined life
8. Socrates
9. Dialogical
10. Historical-Philosophical

ارتباط با کل وب مطالعه کند. وی نه تنها سایر منابع را باید مطالعه کند، بلکه باید از فرایندهای اجتماعی اثرگذار بر متون نیز آگاهی داشته باشد. در واقع نگاه کافمن از رویکرد هرمنوتیکی[1] بهره گرفته است. همان‌گونه که خود کافمن (Kaufman, 1997, p. 83) نیز اشاره می‌کند "اگر هنر خواندن متن از دست برود، نه تلویزیون و نه رایانه، نمی‌توانند علوم انسانی را نجات دهند. در روش دیالکتیک باید از روش منفعلانه سود جسته و در عین حال باید پا را از آن فراتر گذاشت".

بیان مسئله

در دهه‌های پیش رو بسیاری از ابزارهای ذخیره‌سازی و انتقال اطلاعات به شکل دیجیتال و در محیط وب خواهند بود و انجام بسیاری از کارهای روزمره و نیز کارهای حرفه‌ای با کاربرد این ابزارها میسر خواهد شد. جدای از مزایای نهفته در این گرایش روزافزون، چالش‌های فراوانی نیز وجود دارند که باید از هم اکنون به بررسی و برطرف ساختن آنها پرداخت. این چالش‌ها در بسترهای شغلی و حرفه‌ای گوناگون می‌توانند به گونه‌های مختلفی آشکار شوند.

از آنجا که مطالعه جزو اصلی‌ترین امور دانشگاهیان، اعم از استادان و دانشجویان، به شمار می‌رود یکی از چالش‌های نوین مراکز علمی و پژوهشی، به طور اعم و در دانشگاه‌ها به طور اخص مطالعه در محیط‌های دیجیتالی و به ویژه در محیط وب است. توجه به این چالش و راه‌های برون رفت از آن و نیز فرصت‌هایی که فرا روی خوانندگان می‌گذارد می‌تواند موضوع پژوهش‌های فراوانی قرار گیرد. از این رو، در پژوهش حاضر نوع مطالعه منابع وبی دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه شاهد تهران با توجه به مدل پیشنهادی کافمن مورد مطالعه قرار می‌گیرد. این مدل نه تنها مهارت کاوش اطلاعات، بلکه مهارت‌های پیشرفته در حوزه مطالعه مانند تفکر انتقادی را نیز در بین این دانشجویان می‌سنجد. به این ترتیب، مسئله پژوهش حاضر دریافتن میزان مهارت‌های پیشرفته‌ای است که این دانشجویان باید در مطالعه منابع اینترنتی از آن‌ها برخوردار باشند.

اهداف پژوهش

پژوهش حاضر با هدف بررسی روش‌های مطالعه جامعه پژوهش در محیط وب بر اساس مدل پیشنهادی کافمن و با تاکید بر مطالعه دیالکتیک است. دیدگاه کافمن به دلیل جامعیت، نگاه استدلالی و انتقادی و قابلیت کاربرد، به عنوان بستر انجام پژوهش برگزیده شده است. پژوهش حاضر اهداف

---

[1]. Hermeneutics

جزئی‌تری چون بررسی نوع مطالعه به تفکیک جنسیت، دانشکده و مقطع تحصیلی را نیز در بر می‌گیرد.

پیشینه پژوهش

تاکنون "مطالعه" موضوع بسیاری از پژوهش‌ها بوده است، اما گونه جدید آن، یعنی مطالعه دیجیتالی کمتر مورد بررسی قرار گرفته است. کمبود پژوهش در این حوزه در پیشینه پژوهش‌های داخلی بیشتر نمودار است. در پژوهشی که نادری، شعبانی و عابدی (۱۳۸۹الف) در بین ۲۸۶ دانشجوی تحصیلات تکمیلی دانشگاه اصفهان انجام دادند، مشخص شد که میزان مطالعه منابع الکترونیکی دانشکده فنی و مهندسی و میزان چاپ مدارک دانشکده علوم بیشتر است و دانشجویان بیشتر از شیوه مروری و غیرخطی و کمتر به مطالعه عمیق و انتقادی دست می‌زنند. دانشجویان دکترا بیشتر از شیوه مروری استفاده کرده و دانشجویان کارشناسی ارشد بیشتر مدارک الکترونیکی را چاپ می‌کنند. در این زمینه، از نظر جنسیت تفاوتی مشاهده نشد. در مقاله‌ای دیگر از این پژوهش (Shabani, Naderi and Abedi, 2012) یافته‌ها نشان داد که بین مطالعه دیجیتالی کتاب‌ها، مجلات و پایان‌نامه‌ها تفاوت‌هایی وجود دارد. در ارتباط با انواع مختلف مطالعه، نوع یادداشت‌برداری، چاپ منابع چاپی و الکترونیکی نیز مشخص شد که دانشجویان روش‌های متفاوتی دارند. برای مثال در اغلب موارد منابع الکترونیکی را برای مطالعه و یادداشت‌برداری بهتر چاپ می‌کنند. مهم‌ترین مزایای استفاده از منابع الکترونیکی دسترسی از راه دور، دسترسی سریع به اطلاعات و صرفه‌جویی در وقت ذکر شده است. از مهم‌ترین معایب آن نیز خستگی چشم عنوان شده است. نتایج کلی این پژوهش حاکی از آن است که گرچه مطالعه دیجیتال در حال رونق یافتن است، اما جایگزین روش سنتی نشده است.[۱]

در زیر برخی از پژوهش‌های خارجی انجام شده در حوزه مطالعه دیجیتالی آمده است: دوتی و دیگران (Doty et al., 2001) ، سطح درک مطلب جوانان در کاربرد کتاب‌های داستانی بر روی لوح فشرده در مقایسه با منابع چاپی را بررسی کردند. ۳۹ دانش‌آموز در منطقه میدوست[۲] در پژوهش شرکت داشتند. پژوهشگر از دانش‌آموزان خواست تا پس از مطالعه یک داستان بر روی لوح فشرده و سپس به صورت چاپی آن را بازگو کنند و برای بررسی میزان درک آنان پرسش‌هایی را نیز مطرح ساخته است. نتایج حاکی از نبود تفاوت بین نوع مطالعه دو رسانه بوده است. البته دانش‌آموزانی که از لوح فشرده استفاده کرده‌اند از درک مطلب بیشتری برخوردار بوده‌اند.

---

1. پژوهشگران نتایج پژوهش و مطالعات خود را در قالب کتاب نیز منتشر کرده اند (نادری، شعبانی و عابدی، ۱۳۸۹ب).
2. Midwest

برگلاند (Berglund, 2004) استفاده از کتاب‌های الکترونیکی رایگان در کتابخانه‌های دانشگاهی انگلستان را بررسی کرد. نتایج حاکی از آن بود که بسیاری از شرکت‌کنندگان در پژوهش درباره کیفیت متن و ابرداده، ماندگاری حضور منابع الکترونیکی، قیمت و موانع فنی اظهار نگرانی کرده‌اند. طراحی ضعیف و عوامل اورگونومیک نیز از جمله عواملی هستند که باعث شده کاربران در کاربرد کتاب‌های الکترونیکی احساس راحتی نکنند.

کلاید (Clyde, 2005) نیز با انجام پژوهشی برخی مزایا و معایب کاربرد کتاب‌های الکترونیکی را برشمرده است. وی ارتباط نامناسب خوانندگان و درک نامناسب آنها از متن را از نگرانی‌های عمده دانسته است. وی اظهار داشت که دانشجویان در فهم محتوای یک کتاب الکترونیکی هنگامی که آن را در شکل دیجیتالی مطالعه کنند دچار مشکلاتی خواهند بود.

شارپ (Sharp, 2005) کاربرد متن‌های الکترونیک در یک محیط دانشگاهی را بررسی کرد. او آینده این نوع مطالعه را نویدبخش دانسته و نسل جوان را جویای این فناوری‌ها معرفی کرده است. عواملی مانند جستجوپذیری، یادداشت‌برداری، ذخیره‌سازی صفحات دلخواه، منابع چند رسانه‌ای و تعاملی از جمله عوامل رضایتمندی جوانان مطرح شده است.

نویز و گارلاند (Noyes and Garland, 2006) پژوهشی را در ارتباط با این پرسش به انجام رساندند که چرا بسیاری از افراد نگرش مثبتی در خواندن و یادگیری کتاب دارند، در حالی که در ارتباط با مطالعه رایانه‌ای چنین نگرشی وجود ندارد. آن‌ها ۲۷۴ دانشجوی لیسانس گروه‌های روان‌شناسی دو دانشگاه در انگلستان را به عنوان جامعه پژوهش خود انتخاب کردند. دلایل گرایش دانشجویان به کتاب شامل مواردی مانند: کاربردپذیری، عادت، زیبایی‌شناسی، ویژگی‌های فیزیکی، حرکت آسان بین مطالب، یادداشت‌برداری آسان، درک بهتر و آشنایی بیشتر بوده است.

پژوهش ورنون (Vernon, 2006) پیرامون ۲۳ دانشجوی تحصیلات تکمیلی در کاربرد نسخه‌های الکترونیکی کتاب‌های چاپی نشان داد که خواندن الکترونیکی در مقایسه با خواندن سنتی توان‌فرساتر است. غالب دانشجویان ترجیح داده‌اند تا منابع الکترونیکی را چاپ و سپس مطالعه کنند.

پژوهش گریمشاو و دیگران (Grimshaw et al., 2007) نتایج دوتی و دیگران را تایید کرده است. این پژوهش در بین ۱۳۲ کودک، حاکی از آن بود که هیچ تفاوتی در درک مطلب متنی، چه به صورت چاپی و چه الکترونیکی وجود ندارد. البته کودکان اظهار داشته‌اند که اگر متن الکترونیک را همراه با صدا مطالعه کنند، درک بیشتری دارند.

کانگ، وانگ و لین (Kang, Wang and Lin, 2009) کاربردپذیری کتاب‌های الکترونیکی را از جهت سهولت خواندن و خستگی چشم بررسی کردند. با کاربرد روش تجربی، پژوهش نشان داد که خواندن این گونه از منابع در مقایسه با کتاب‌های چاپی چشم را دچار خستگی بیشتر می‌کند. نتایج مربوط به نحوه خواندن نیز موید نتایج خستگی چشم بود، چرا که خواندن کتاب‌های سنتی راحت‌تر تلقی شده است. بعلاوه، نتایج نشان داد که زنان در مقایسه با مردان دچار خستگی چشم کمتر و سهولت خواندن بیشتری هستند.

ابزار و شیوه گردآوری داده‌ها

این پژوهش از نوع توصیفی و به روش پیمایشی انجام شده است. پژوهش حاضر از این حیث که نه به پیش‌بینی، مقایسه و یا مرور منابع مرتبط، بلکه تنها به توصیف وضعیت موجود می‌پردازد از نوع توصیفی بوده و از لحاظ اینکه چنین توصیفی باید در بین گروهی خاص از افراد صورت پذیرد، از روش پیمایشی سود برده است. این روش در برخی پژوهش‌های مشابه (مانند نادری، شعبانی و عابدی، ۱۳۸۹الف) نیز مورد استفاده قرار گرفته است. همچنین، ابزار سنجش و تحلیل داده‌ها، پرسش‌نامه محقق ساخته است.

جامعه پژوهش را دانشجویان تحصیلات تکمیلی (کارشناسی ارشد و دکترا) پنج دانشکده (علوم انسانی و اجتماعی، هنر، علوم پایه، کشاورزی، فنی و مهندسی) دانشگاه شاهد، که حداقل ترم سوم را به پایان رسانده‌اند و به طور تخصصی و جدی وارد مراحل اجرایی پایان‌نامه شده‌اند، تشکیل می‌دهد. از آنجا که این افراد با منابع وبی و اینترنتی نسبت به مقاطع پایین‌تر آشنایی بیشتری دارند و ماهیت مقطع تحصیلات تکمیلی صرف زمان بیشتر و کاوش هدفمندتر برای یافتن و استفاده از منابع اطلاعاتی علمی در راستای انجام کارهای پژوهشی و پایان نامه است و از طرفی این افراد پیش از اجرا و تجزیه و تحلیل داده‌های پایان نامه خود، در قسمت مطالعه مقدماتی و پیشینه پژوهش به کاوش، مطالعه و ارزیابی منابع مرتبط در محیط چاپی و نیز محیط وب پرداخته‌اند، به عنوان جامعه این پژوهش انتخاب شدند. همچنین، علت انتخاب دانشگاه شاهد، به عنوان جامعه پژوهش، یکی امکان دسترسی به جامعه پژوهش و دیگری آزمون مدل کافمن تنها در بین جامعه‌ای خاص بوده است.

روش نمونه‌گیری در این پژوهش به صورت تصادفی طبقه‌ای متناسب بوده است. لذا، به منظور انتخاب حجم نمونه، فاصله اطمینان ۹۵ درصد و سطح اطمینان ۵ در نظر گرفته شده است. از این رو، از میان ۸۰۰ نفر جامعه پژوهش، تعداد کل نمونه ۲۶۶ نفر انتخاب و پرسش‌نامه بین آنها توزیع شد. در جدول ۱ فراوانی و درصد حجم نمونه آمده است. به دلیل مشارکت کم دانشجویان مقطع دکترا، این متغیر به طور جداگانه

بررسی نشد و به همراه دانشجویان تحصیلات تکمیلی در نظر گرفته شد.

جدول ۱. حجم جامعه و حجم نمونه به تفکیک دانشکده

ردیف	نام دانشکده	حجم جامعه (مقطع کارشناسی ارشد)	حجم جامعه (مقطع دکتری)	حجم جامعه (کل)	حجم نمونه	درصد حجم نمونه	درصد تجمعی حجم نمونه
۱	علوم انسانی و اجتماعی	۲۷۷	۳	۲۸۰	۹۵	۳۵/۷	۳۵/۷
۲	هنر	۹۴	۲۷	۱۲۱	۴۱	۱۵/۴	۵۱/۱
۳	فنی و مهندسی	۱۹۳	۴	۱۹۷	۶۴	۲۴/۱	۷۵/۲
۴	کشاورزی	۷۵	–	۷۵	۲۴	۹/۰	۸۴/۲
۵	علوم پایه	۱۲۲	۵	۱۲۷	۴۲	۱۵/۸	۱۰۰
جمع کل		۷۶۱ نفر	۳۹ نفر	۸۰۰ نفر	۲۶۶ نفر	۱۰۰	–

به منظور تعیین و اطمینان از قابلیت اعتبار و روایی[1] ابزار پژوهش، پرسش‌نامه‌ها پیش از توزیع نهایی بین ۳۰ نفر از صاحب‌نظران و متخصصانی که در زمینه مطالعات وب و اینترنت صاحب اثر بودند، توزیع شد و در مورد صحت و بجا بودن هر یک از معیارهای ذکر شده و نیز ترتیب و نحوه دسته‌بندی معیارها، نظرات و پیشنهادهای ایشان بدست آمد و سپس در پرسش‌نامه نهایی اعمال شد. همچنین، به منظور سنجش پایایی[2] پرسش‌نامه از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد.

بدین منظور در اجرای اولیه و قبل از توزیع نهایی، پرسش‌نامه‌ها بین ۳۰ نفر از نمونه پژوهشی به صورت تصادفی طبقه‌ای متناسب توزیع شد و سپس ضریب آلفای کرونباخ محاسبه گردید. این ضریب در مجموع پرسش‌های پرسش‌نامه برابر با ۰/۸۲۴ به دست آمد که نشان دهنده سطح قابل قبولی از پایایی است.

1. Validity
2. Reliability

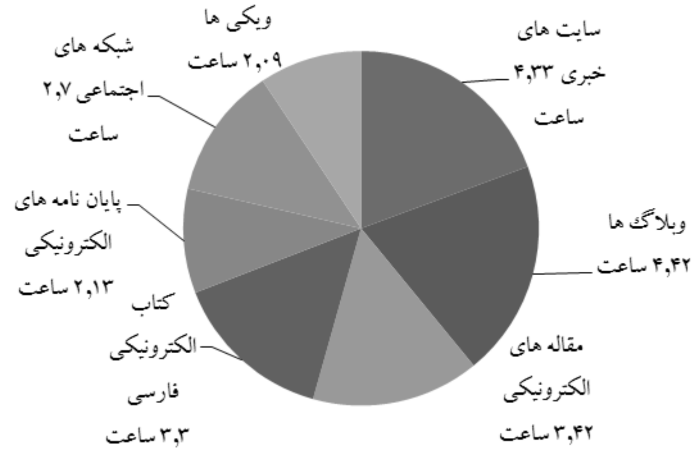
تجزیه و تحلیل داده‌ها

تحلیل داده‌ها به وسیله نرم افزار SPSS انجام شد. اجرای این پژوهش به مدت ۵۲ روز، از تاریخ ۱۵ شهریور تا ۷ آبان ۱۳۹۰ به طول انجامید.

جدول ۲. جنسیت، مقطع تحصیلی و سابقه استفاده از اینترنت دانشجویان تحصیلات تکمیلی

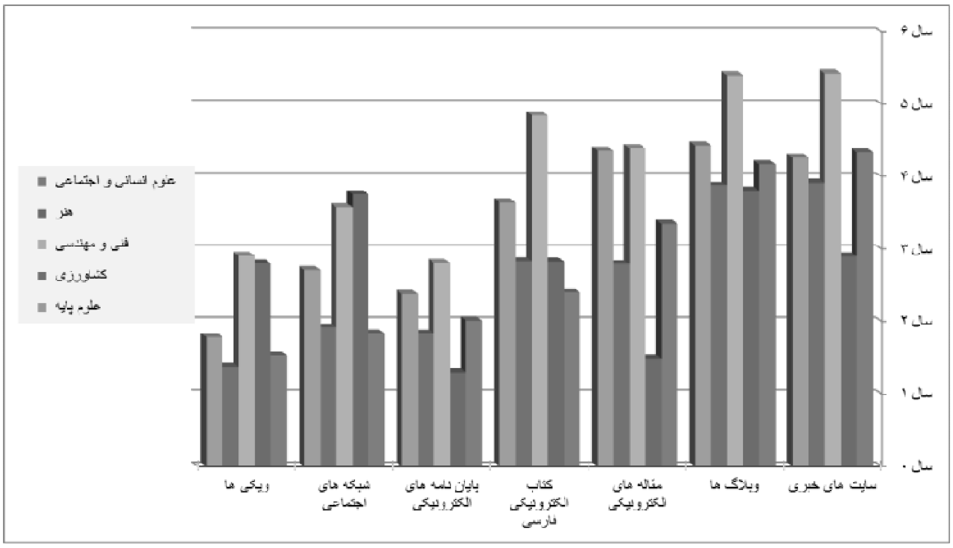
متغیرها	مؤلفه‌ها	فراوانی	درصد
جنسیت	مرد	۱۲۹	۴۸/۵
	زن	۱۳۷	۵۱/۵
	جمع کل	۲۶۶	۱۰۰
مقطع تحصیلی	کارشناسی ارشد	۲۵۷	۹۶/۶
	دکتری	۹	۳/۴
	جمع کل	۲۶۶	۱۰۰
سابقه استفاده از اینترنت	کمتر از یک سال	۸	۲/۶
	بین یک تا سه سال	۳۱	۱۱/۷
	بین چهار تا شش سال	۸۸	۳۳/۲
	بیشتر از شش سال	۱۳۹	۵۲/۵
	جمع کل	۲۶۶	۱۰۰

بر پایه داده‌های بدست آمده، زنان با ۱۳۷ نفر ۵۱/۵ درصد و مردان با ۱۲۹ نفر ۴۸/۵ درصد از جامعه آماری را به خود اختصاص داده‌اند. از این نظر تفاوت معنی‌داری بین این دو گروه کاربری مشاهده نشد. دانشجویان کارشناسی ارشد با ۲۵۷ نفر ۹۶/۶ درصد و دانشجویان دکتری با ۹ نفر ۳/۴ درصد از جامعه پژوهش را به خود اختصاص داده‌اند. این آمار حاکی از این است که دانشجویان کارشناسی ارشد حجم عمده و دانشجویان دکتری درصد ناچیزی از جامعه پژوهش را تشکیل می‌دهند. همچنین، داده‌های جدول ۲ حاکی از آن است که ۵۲/۲ درصد از جامعه پژوهش بیش از شش سال سابقه استفاده از اینترنت را دارا هستند. با دانستن این واقعیت که ۸۵/۷ درصد از کاربران سابقه بیش از چهار سال استفاده از اینترنت را دارند، انتظار می‌رود که روش مطالعه آنها از روش‌های مطلوب مطالعه، یعنی روش‌های منفعلانه و دیالکتیک باشد.



نمودار ۱. میانگین میزان استفاده از منابع الکترونیکی

مقایسه بین میزان استفاده از منابع الکترونیکی، بر پایه داده‌های نمایان شده در نمودار ۱، نشان دهنده این امر است که جامعه پژوهش بیشتر از وبلاگ‌ها و کمتر از ویکی‌ها برای مطالعه استفاده می‌کنند. در ارتباط با منابع علمی الکترونیکی و موجود در وب نیز می‌توان گفت که جامعه آماری به ترتیب از مقاله‌ها،کتاب‌ها و پایان‌نامه‌های الکترونیکی استفاده می‌کنند.



نمودار ۲. میانگین سابقه استفاده از منابع الکترونیکی به تفکیک دانشکده و نوع منبع اطلاعاتی

نتایج نمودار ۲ حاکی از این حقیقت است که جامعه پژوهش برای کسب اطلاعات بیشتر از سایت‌های خبری و کمتر از ویکی‌ها استفاده می‌کنند، هر چند بر اساس نوع دانشکده، پراکندگی‌هایی بین منابع مورد استفاده آنها دیده می‌شود. برای نمونه، دانشجویان دانشکده فنی و مهندسی از کتاب‌های الکترونیکی فارسی بیشتر بهره می‌برند و دانشجویان دانشکده هنر از پایان‌نامه‌های الکترونیکی کمتر از سایر دانشجویان سود می‌جویند. بر اساس داده‌های این جدول، تفاوت چندانی بین سابقه استفاده از اینترنت و نوع منابع اینترنتی، که دانشجویان برای مطالعه و کسب اطلاع انجام می‌دهند، وجود ندارد.

جدول ۳. درصد پراکندگی جامعه بر اساس چهار روش مطالعه

شیوه مطالعه	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
روش تفسیری	۷	۲/۶	۲/۶
روش جزمی	۳۰	۱۱/۳	۱۳/۹
روش منفعلانه	۱۴۰	۵۲/۶	۶۶/۵
روش دیالکتیک	۸۹	۳۳/۵	۱۰۰
جمع کل	۲۶۶	۱۰۰	–

روش آماری بکار رفته این‌گونه بود که میانگین چهار روش مطالعه برای هر فرد محاسبه و میانگین بیشتر به عنوان روش برتر شناخته شد. سپس میانگین برتر تمام افراد شرکت‌کننده در پژوهش محاسبه شده است. بر پایه مقادیر موجود در جدول ۳، مشخص شد که نوع مطالعه اینترنتی نمونه آماری به ترتیب روش منفعلانه با ۵۲/۶، روش دیالکتیک با ۳۳/۵، روش جزمی با ۱۱/۳ و روش تفسیری با ۲/۶ درصد است. این نتایج حاکی از این حقیقت است که هر چند روش دیالکتیک حالت آرمانی از انواع چهارگانه مطالعه است، اما بیش از نیمی از جامعه آماری از روش منفعلانه و فنی برای مطالعه استفاده می‌کنند. به بیان دیگر، نوع مطالعه بیشتر فنی و برخاسته از کاربرد مهارت‌های کاوش در اینترنت است، هرچند تفکر انتقادی و نگاه دیالکتیک هم درصد قابل توجهی از مهارت‌های مطالعه را به خود اختصاص داده است. برای تایید مطالب فوق، داده‌های بدست آمده با کاربرد آزمون فریدمن بار دیگر تجزیه و تحلیل شد تا مشخص شود نتایج بدست آمده از شیوه‌های دیگر نیز قابل تایید است. نتایج آزمون فریدمن، که از جمله آزمون‌های آماری ناپارامتری محسوب می‌شود، نتایج بدست آمده از آزمون توصیفی را تایید می‌کند.

جدول ۴. پراکندگی چهار روش مطالعه دانشجویان با کاربرد روش فریدمن

شیوه مطالعه	رتبه میانگین
روش تفسیری	۱/۳۶
روش جزمی	۲/۱۹
روش منفعلانه	۳/۳۴
روش دیالکتیک	۳/۱۱

جدول ۴ نتایج حاصل از آزمون فریدمن است که تایید کننده نتایج بدست آمده توسط آزمون‌های قبلی است. تفاوت یافته‌های این آزمون با آزمون قبلی در اختلاف ناچیزی است که بین روش‌های منفعلانه و دیالکتیک وجود دارد. به این معنا که نتایج آزمون فریدمن حاکی از نزدیک بودن این دو نوع از مطالعه به یکدیگر است، در حالی که در آزمون جدول ۳ این اختلاف و تفاوت محسوس‌تر است. آزمون فریدمن در ارتباط با جنسیت نیز اعمال شد. نتایج این آزمون نیز با نتایج آزمون توصیفی هم‌خوانی داشت.

جدول ۵. درصد پراکندگی شیوه مطالعه بر اساس جنسیت

شیوه مطالعه	جنسیت	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
روش تفسیری	زن	۱	۰/۷	۰/۷
	مرد	۶	۴/۷	۴/۷
روش جزمی	زن	۱۳	۹/۵	۱۰/۲
	مرد	۱۷	۱۳/۲	۱۷/۸
روش منفعلانه	زن	۷۴	۵۴	۶۴/۲
	مرد	۶۶	۵۱/۲	۶۹
روش دیالکتیک	زن	۴۹	۳۵/۸	۱۰۰
	مرد	۴۰	۳۱	۱۰۰
جمع کل	زن	۱۳۷	۱۰۰	–
	مرد	۱۲۹	۱۰۰	–

همان‌گونه که در جدول ۵ مشاهده می‌شود، بین جنسیت زنانه و نوع مطالعه آنها تفاوتی مشاهده

نمی‌شود. به این ترتیب که این بخش از نمونه آماری به ترتیب از روش‌های منفعلانه با **۵۴**، دیالکتیک با **۳۵/۸**، جزمی با **۹/۵** و تفسیری با **۷/.** درصد برای مطالعه پیروی می‌کنند. همچنین مقادیر جدول شماره ۵ حاکی از آن است که بین جنسیت مردانه و نوع مطالعه آنها بر مبنای نتایج جداول ۳ و ۴ تفاوتی مشاهده نمی‌شود، به این ترتیب که این بخش از نمونه آماری به ترتیب از روش‌های منفعلانه با ۵۱/۲، دیالکتیک با ۳۱، جزمی با ۱۳/۲ و تفسیری با ۴/۷ درصد برای مطالعه پیروی می‌کنند.

جدول ۶. شیوه مطالعه به تفکیک دانشکده

شیوه مطالعه	دانشکده	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
روش تفسیری	علوم انسانی و اجتماعی	۴	۴/۲	۴/۲
	هنر	۱	۲/۴	۲/۴
	فنی و مهندسی	۲	۳/۱	۳/۱
	کشاورزی	-	-	-
	علوم پایه	-	-	-
روش جزمی	علوم انسانی و اجتماعی	۹	۹/۵	۱۳/۷
	هنر	۱	۲/۴	۴/۹
	فنی و مهندسی	۷	۱۰/۹	۱۴/۱
	کشاورزی	۸	۳۳/۳	۳۳/۳
	علوم پایه	۵	۱۱/۹	۱۱/۹
روش منفعلانه	علوم انسانی و اجتماعی	۴۸	۵۰/۵	۶۴/۲
	هنر	۲۴	۵۸/۵	۶۳/۴
	فنی و مهندسی	۳۵	۵۴/۷	۶۸/۸
	کشاورزی	۱۱	۴۵/۸	۷۹/۲
	علوم پایه	۲۲	۵۲/۴	۶۴/۳
روش دیالکتیک	علوم انسانی و اجتماعی	۳۴	۳۵/۸	۱۰۰
	هنر	۱۵	۳۶/۶	۱۰۰
	فنی و مهندسی	۲۰	۳۱/۳	۱۰۰
	کشاورزی	۵	۲۰/۸	۱۰۰
	علوم پایه	۱۵	۳۵/۷	۱۰۰
جمع کل		۲۶۶	۱۰۰	-

جامعه پژوهش در دانشکده علوم انسانی و اجتماعی برای مطالعه منابع اینترنتی به ترتیب از روش‌های منفعلانه با ۵۰/۵، دیالکتیک با ۳۵/۸، جزمی با ۹/۵ و تفسیری با ۴/۲ درصد استفاده می‌کنند. نتایج بدست آمده از دانشکده علوم انسانی و اجتماعی برای مطالعه منابع اینترنتی، با نتایج کلی بدست آمده در جدول‌های ۳ و ۴ مطابقت دارد.

جامعه پژوهش در دانشکده هنر برای مطالعه منابع اینترنتی به ترتیب از روش‌های منفعلانه با ۵۸/۵، دیالکتیک با ۳۶/۶، و روش‌های جزمی و تفسیری با ۲/۴ درصد استفاده می‌کنند. بیشتر شرکت‌کنندگان از روش‌های سوم و چهارم استفاده کرده‌اند و روش‌های اول و دوم را کمتر بکار می‌برند. نتایج بدست آمده از دانشکده هنر برای مطالعه منابع اینترنتی، با نتایج کلی بدست آمده در جداول ۳ و ۴ مطابقت دارد.

جامعه پژوهش در دانشکده فنی و مهندسی برای مطالعه منابع اینترنتی به ترتیب از روش‌های منفعلانه با ۵۴/۷، دیالکتیک با ۳۱/۳، جزمی با ۱۰/۹ و تفسیری با ۳/۱ درصد استفاده می‌کنند. نتایج این بخش نیز با نتایج کلی بدست آمده در جداول ۳ و ۴ مطابقت دارد.

جامعه پژوهش در دانشکده کشاورزی برای مطالعه منابع اینترنتی به ترتیب از روش‌های منفعلانه با ۴۵/۸، دیالکتیک با ۲۰/۸، و روش جزمی با ۳۳/۳ درصد استفاده می‌کنند. نکته جالب توجه این است که هیچ یک از دانشجویان دانشکده کشاورزی از روش تفسیری استفاده نمی‌کنند. بعلاوه، در مقایسه با سایر دانشکده‌ها در این دانشکده روش دوم (جزمی) بیشتر مورد استفاده قرار می‌گیرد، تا جایی که از روش دیالکتیک نیز پیشی گرفته است. نتایج بدست آمده از دانشکده کشاورزی برای مطالعه منابع اینترنتی، با نتایج کلی بدست آمده در جداول ۳ و ۴ مطابقت دارد.

جامعه پژوهش در دانشکده علوم پایه برای مطالعه منابع اینترنتی به ترتیب از روش‌های منفعلانه با ۵۲/۴، دیالکتیک با ۳۵/۷، و روش جزمی با ۱۱/۹ درصد استفاده می‌کنند. همانند دانشجویان دانشکده کشاورزی، هیچ یک از دانشجویان دانشکده علوم پایه نیز از روش تفسیری استفاده نمی‌کنند. نتایج بدست آمده از دانشکده کشاورزی برای مطالعه منابع اینترنتی، با نتایج کلی بدست آمده در جداول ۳ و ۴ مطابقت دارد. به طور کلی، مقایسه بین مقادیر بدست آمده در ارتباط با دانشکده‌های پنج‌گانه حاکی از این امر است که دانشجویان دانشکده هنر با ۳۶/۶ درصد بیش از سایر دانشجویان از روش دیالکتیک برای مطالعه استفاده می‌کنند. بعلاوه همین دانشجویان با ۵۸/۵ درصد از روش منفعلانه استفاده می‌کنند.

جدول ۷. نوع مطالعه در بین دانشجویان مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری

شیوه مطالعه	مقطع تحصیلی	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
روش تفسیری	کارشناسی ارشد	۷	۲/۷	۲/۷
	دکتری	–	–	–
روش جزمی	کارشناسی ارشد	۳۰	۱۱/۷	۱۴/۴
	دکتری	–	–	–
روش منفعلانه	کارشناسی ارشد	۱۳۴	۵۲/۱	۶۶/۵
	دکتری	۶	۶۶/۷	۶۶/۷
روش دیالکتیک	کارشناسی ارشد	۸۶	۳۳/۵	۱۰۰
	دکتری	۳	۳۳/۳	۱۰۰
درصد کل	کارشناسی ارشد	۲۵۷	۱۰۰	–
	دکتری	۹	۱۰۰	–

همان‌گونه که در جدول فوق مشاهده می‌شود، دانشجویان کارشناسی ارشد به ترتیب از روش‌های سوم با ۵۲/۱، دیالکتیک با ۳۳/۵، جزمی با ۱۱/۷ و تفسیری با ۲/۷ درصد استفاده می‌کنند. این دانشجویان بیشترین حجم جامعه مورد مطالعه را به خود اختصاص می‌دهند و نموداری از نوع مطالعه کل جامعه را می‌توان به آنها نسبت داد. نکته امیدوارکننده آن است که این دانشجویان از روش تفسیری بسیار کم بهره می‌برند. همچنین، دانشجویان دکتری از روش‌های جزمی و تفسیری اصلاً استفاده نکرده‌اند و به ترتیب روش‌های منفعلانه با ۶۶/۷ و دیالکتیک را با ۳۳/۳ درصد بکار می‌برند.

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر بر آن است تا روش‌های چهارگانه مطالعه پیشنهادی کافمن را در محیط وب و در بین دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه شاهد تهران به آزمایش بگذارد. یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که این دانشجویان به ترتیب از روش‌های منفعلانه، دیالکتیک، جزمی و تفسیری برای مطالعه منابع وبی استفاده می‌کنند. روش منفعلانه به عنوان روش استاندارد و متعارف و روش دیالکتیک به عنوان روش آرمانی برای مطالعه هستند. دو روش جزمی و تفسیری نیز از روش‌های غیرمعمول و نادرست مطالعه محسوب می‌شدند. دقت در این یافته‌ها ما را به این حقیقت هدایت می‌کند که این دانشجویان به ابزارهای

کاوش و منابع موجود وب بسیار متکی هستند، بر مبنای مهارت‌های کاوش خود مطالعه‌ای ترتیب می‌دهند و کمتر به مطالعه استدلالی و مواجهه عمیق با محتوا، آن گونه که در روش دیالکتیک مطرح می‌شود، می‌پردازند. در روش دیالکتیک، هم داشتن مهارت‌ها و ابزارهای کاوش یعنی هر آنچه که در روش منفعلانه وجود دارد و هم داشتن نگاه انتقادی، تاریخی و هرمنوتیکی به متن مهم است. به سخن دیگر، به منظور بهره‌مندی از این روش مطالعه، از طرفی به آگاهی از ابزارهای کاوش و ساز و کارها، محدودیت‌ها و فرایندهای مربوط به آن نیاز است و از طرف دیگر نیاز به داشتن نگاه انتقادی و تحلیلی به متن مورد مطالعه ضرورت دارد.

یافته‌های پژوهش نشان داد که زنان بیشتر از مردان از روش دیالکتیک استفاده می‌کنند. بعلاوه، دانشجویان دانشکده هنر به نسبت سایر دانشجویان از روش‌های مطلوب مطالعه منابع اینترنتی، یعنی روش‌های منفعلانه و دیالکتیک، به نسبت بیشتری استفاده کرده و مطالعه متفاوتی نسبت به دانشجویان سایر دانشکده‌ها دارند. همچنین دانشجویان دانشکده کشاورزی نیز به شیوه‌ای متفاوت مطالعه می‌کنند؛ به گونه‌ای که از روش جزمی بیش از روش دیالکتیک بهره می‌برند. بر پایه همین نتایج نیز می‌توان این‌گونه قضاوت کرد که روش مطالعه بین دانشکده‌های مختلف تا حدودی متفاوت است و در این میان دانشجویان دانشکده هنر به شکلی متفاوت به مطالعه منابع اینترنتی می‌پردازند. با توجه به اینکه مقطع دکتری بالاترین مقطع تحصیلی در آموزش عالی به شمار می‌رود، انتظار می‌رود که از روش‌های عالی‌تری نیز برای مطالعه منابع اعم از چاپی و اینترنتی استفاده کنند. نتایج نیز نشان می‌دهد این دانشجویان تنها از روش‌های مطلوب مطالعه، یعنی روش‌های منفعلانه و دیالکتیک، استفاده می‌کنند.

هرچند پژوهش حاضر با نگاهی متفاوت به بررسی موضوع مطالعه در محیط‌های جدید پرداخته است، اما با کمی چشم‌پوشی می‌توان بین آن و پژوهش‌های مشابه مقایسه‌ای را ترتیب داد. نتایج پژوهش حاضر با پژوهش‌های برگلاند (Berglund, 2004)، کلاید (Clyde, 2005)، نویز و گارلاند (Noyes and Garland, 2006)، کانگ و دیگران (Kang et al., 2009) و نیز شعبانی، نادری و عابدی (Shabani, Naderi and Abedi, 2012) از این جهت هم‌سوست که در همه آن‌ها نشانه‌هایی مبنی بر وجود دشواری‌های مطالعه در محیط دیجیتالی آشکار می‌گردد. پژوهش حاضر به ویژه با پژوهش شعبانی، نادری و عابدی در این سخن هم داستان است که دانشجویان کمتر به مطالعه انتقادی متون دیجیتالی می‌پردازند.

از جامعه آماری این پژوهش که دانشجویان تحصیلات تکمیلی بودند، انتظار می‌رفت تا از مهارت‌های عالی مطالعه برخوردار باشند. شاید بتوان برخی از دلایل نداشتن مهارت مطالعه عمیق و دیالکتیک را عدم

آموزش‌های کافی برای انجام کاوش و ارزیابی منابع وبی و چاپی، آشنا نبودن دانشجویان با روش‌های صحیح مطالعه صحیح و مستقل و نداشتن تفکر خلاق و انتقادی دانست. دانشجویان مقاطع پایین‌تر ممکن است از مهارت‌های مطلوب برای مطالعه منابع اینترنتی برخوردار نبوده و در مطالعه این گونه از منابع با مشکلات جدی روبرو باشند. پژوهش‌های آینده می‌تواند مهارت‌های مطالعه این دسته از دانشجویان را در مقایسه با دانشجویان تحصیلات تکمیلی مورد بررسی قرار دهد و به راهکارهای مناسبی دست یابد.

بر پایه نتایج پژوهش حاضر، پیشنهادهایی را می‌توان برشمرد: آموزش ویژگی‌های منابع اینترنتی و روش‌های مطالعه آنها، آموزش مطالعه انتقادی به دانشجویان، آموزش محدودیت‌های ابزارهای کاوش اینترنتی و روش‌های جایگزین آنها، آموزش و مقایسه مطالعه در منابع چاپی و منابع اینترنتی به دانشجویان.

کتابنامه

نادری، فاطمه؛ شعبانی، احمد و عابدی، محمدرضا (۱۳۸۹الف). بررسی رفتار مطالعه دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه اصفهان در محیط دیجیتال بر اساس عوامل دموگرافیک. *تحقیقات کتابداری و اطلاع رسانی دانشگاهی*، ۴۴ (۵۱): ۵۱-۷۹.

نادری، فاطمه؛ شعبانی، احمد و عابدی، محمدرضا (۱۳۸۹ب). مطالعه در عصر دیجیتال: از اندیشه‌های کنتون اوهارا تا زایمینگ لیو. تهران: چاپار.

Berglund, Y., Morrison, A., Wilson, R. & Wynne, M. (2004). *An investigation into free e-books*. Retrieved August 16, 2011, from http://eprints.ouls.ox.ac.uk/archive/00000732/01/FreeEbooks.pdf

Bruce, B.C. (2000). Credibility of the web: Why we need dialectical reading. *Journal of Philosophy of Education*, 34 (1), 97–109.

Clyde, L.A.(2005). Electronic books, *Teacher Librarian*, 32(5), 45-47.

Doty, D., Popplewell, S. & Byers, G. (2001). Interactive CD- ROM story books and young readers' reading comprehension. *Journal of Research on Computing in Education*, 33(4), 374-384.

Ferris, Pixie (1997). Writing in cyberspace. *CMC Magnzine*. Retrieved August 16, 2011, from http://www.december.com/cmc/mag/1997/jun/ferris.html

Gilster, Paul. (1997). *Digital literacy*. New York: John Wiley & Sons.

Grimshaw, S., Dungworth, N., McKnight, C. & Morris, A. (2007). Electronic books: children’s reading and comprehension. *British Journal of Educational Technology*, 38(4), 583-99.

Kang, Y. Y., Wang, M. J., & Lin, R. T. (2009). Usability evaluation of e-books. *Displays*, 30(2), 49-52.

Kaufmann, W. (1977). *The future of the humanities*. New York: Reader’s Digest Press.

Metzger, M. J. (2007). Making sense of credibility on the Web: Models for evaluating online information and recommendations for future research. *Journal of the American Society for Information Science and Technology*, 58(13), 2078-2091.

Noyes, J., & Garland, K. (2006). Explaining students’ attitudes toward books and computers. *Computers in Human Behavior*, 22(3), 351-63.

Robins, D., Holmes, J. & Stansbury, M. (2010), “Consumer health information on the web: The relationship of visual design and perceptions of credibility”, *Journal of the American Society for Information Science and Technology*, 61(1), pp. 13-29.

Shabani, A; Naderi, F. & Abedi, M.R. (2012). Reading Behavior of Graduate Students in Digital Environment at University of Isfahan through 2008-2009: A Case Study, *International Journal of Information Science and Management*, 10(1), 1-14.

Sharp, J. E. M. (2005). Teaching toolbox-high-tech textbooks. ASEE PRISM.

Sorapure, M., Inglesby, P., & Yatchisin, G. (1998). Web literacy: Challenges and opportunities for research in a new medium, *Computers and Composition*, 15, 409-424.

Vernon, R. F. (2006). Teaching notes: paper or pixels? An inquiry into how students adapt to Online textbooks. *Journal of Social Work Education*, 42(2), 417-427.

Yates, E. (2001). E-books: a beginner’s guide. in Rao, S. S. (2004). E-book technologies in Education and India’s readiness. *Program*, 38(4), 257-67.